

مقدمه

پدرم روزی به خانه آمد درحالی که آلبومی از رسیتال نوازنده‌گی گیتار جان ویلیامز در دست داشت. که در آن آلبوم اجرای قطعه‌ی "Recuerdos de la Albambra" بود، من کاملاً به خاطر اعجاز آنچه می‌شنیدم زمین گیر شده بودم. من هم می‌خواستم آن کار را انجام دهم! چه مهارتی. آن موقع ۱۰ یا ۱۱ سال داشتم و به شدت تحت احساسات موسیقی بودم. انگار خود آهنگ ساز داشت با من صحبت می‌کرد. من در حیرت عمق کلید مینور و کیفیت چوبی، غنی و سیاه گیتار ویلیامز بودم. یک سال بعد، خودم بدون اینکه معلم مفهمد چیزهایی را آموختم. او اصلاً این کار پرچالش را در این مرحله از آموزش، در صورتی که می‌دانست، تأیید نمی‌کرد. اما این کار برای من خیلی جالب و لذت بخش بود.

سالها بعد، وقتی که در سال اول کالج بودم، به شدت نیاز به دانشجویان خصوصی داشتم که بتوانم خرج خود را درآورم. من تقریباً هر فردی را که می‌خواست چیزی درباره گیتار کلاسیک یاد بگیرد قبول می‌کردم. اولین دانشجوی من خانمی بود که تنها دلیل شرکت در کلاس را نواختن "Recuerdos de la Albambra" عنوان می‌کرد و هیچ چیز دیگری را نمی‌خواست بنوازد. با سابقه تدریسی که من در طول دبیرستان داشتم، فکر کردم می‌توانم به او کمک کنم. تازه، به پول هم نیاز داشتم. ما وقت زیادی را روی این قطعه گذاشتیم، زمانی که به نظر می‌رسید تمام نشدنی است، اما چند ماهی طول کشید. آن خانم بالاخره دریافت که خیلی کار سختی است، اما بجای یادگیری یک چیز آسانتر، کلاً گیتار را ترک کرد. این کار او به روحیه و جیب من ضربه شدیدی زد. او قرار نبود برای من آخرين دانشجویی باشد که چنین هدفی دارد. اما همانطور که در کار معلمی پیشرفت کردم و بالغ تر شدم، به سیستمی رسیدم که بتوانم دانشجویانم را سریعتر و بصورت گام به گام به مقصد برسانم. این گام‌ها دقیقاً همانهایی بود که من همواره برای یادگیری یک قطعه جدید ترمولو استفاده می‌کردم. این سیستم و خود من از آن زمان به بعد کم کم تکامل یافتیم. همواره این امید را دارم که در نهایت به شما کمک کنند تا بجای گیتار، خود موسیقی را بنوازید. ما باید بهترین شنونده و حضار برای خود باشیم.



فرانسیسکو تارگا

فرانسیسکو د' آسیس تارگا او اگزیا در ۲۱ نوامبر سال ۱۸۵۲ در ویلارئال کاستلون اسپانیا به دنیا آمد. او محبوب ما گیتاریست هاست و این نه فقط به خاطر موسیقی وی، بلکه به خاطر فلسفه پیشرونده مکانیک و تکنیک نوازنده‌گی گیتار اوست که شهرتش در بین عاشقان موسیقی جهان خصوصاً به خاطر مشهورترین قطعه تک نوازی گیتار وی به نام "Recuerdos de la Albambra" می‌باشد.

او هنگامی که پسر جوانی بود به جوب آبیاری افتاد و به شدت چشمانش مصدوم شدند و در ادامه عمرش از این مشکل رنج می‌برد. او چندین بار در طول جوانی اش از خانه فرار کرد و حتی یکبار با گروهی از جیپسی‌ها همراه شد. هر بار پدرش او را یافت و به خانه برگرداند.

برای سالهای سال، فرانسیسکوی جوان، گیتار قدیمی پدرش را می‌نواخت و به مهارتهای خوبی دست یافت. پس هنگامی که گیتاریست معروف جولیان آرکاس نوازنده‌گی او را شنید، او را متقدعاً نمود تا برای آموزش به بارسلونا بیاید، اما اصرار داشت که او پیانو نیز یاد بگیرد. این باعث می‌شد که جهان موسیقی تارگا گشوده شود و امکان شغلی و کاری وی فراهم گردد. در سال ۱۸۷۴ او به کنسرواتوار مادرید وارد شد، و در آنجا گیتارش که ساخته آنتونیو د تورس بود را با خود آورد (این سازنده گیتار، سبک ساخت خاصی را در گیتار به وجود آورد که تکامل عظیمی در ساخت گیتار به شمار می‌رفت). امروزه سازنده‌های گیتار از روش ساخت بدنه گیتار وی به صورت fan bracing استفاده می‌نمایند.

تارگا در نهایت یک تکامل مهم در تکنیک گیتار کلاسیک به وجود آورد. او حامی و طرفدار استفاده از انگشت a دست راست بود. تا آن زمان، متدالویل بود که انگشت کوچک (c) و برخی اوقات انگشت سوم (a) را روی صفحه صدا (Soundboard) تکیه می دادند و در عین حال اکثراً با p، i و m می نواختند. تارگا تمرين های بسیاری را نوشته تا این اختراع خود را توسعه دهد و در آهنگ سازی هایش از آن استفاده نمود. دانشجویان وی نیز این سبک از نواختن را به شدت ترغیب می کنند. از میان آنها می توان به میگوئل لویت، امیلیو پوژل و دانیل فورته اشاره کرد.

جدای از آهنگ سازی برای گیتار، او به شدت معتقد بود که موسیقی از سایر منابع نیز می تواند روی گیتار پیاده شود. دوستان موسیقیایی وی شامل ایزاک آلبنیز، خواکوین تورینا، اریکه گرانادوس و پابلو کاسالس می باشند. او تورهای فراوانی داشت و کارهایش را با نوشته های استادانه خود از بتهوون، مندلسون، شوبن، واگنر و سایر آهنگ سازان بزرگ برنامه ریزی می کرد.

او کنسرت هایش را حتی بعد از بی حس شدن سمت راست بدنش در سال ۱۹۰۶ ادامه داد. اما او هیچگاه کاملاً بهبود نیافت این شخص تأثیرگذار در جان گیتار کلاسیک در سن نه چندان بالا در ۵۷ سالگی و در ۱۵ دسامبر ۱۹۰۹ در بارسلونا وفات یافت.

قطعه "Recuerdos de la Albambra" در سال ۱۸۹۶ در گرانادا، خانه الحمبرا، که مجموعه ای از کاخ و قلعه می باشد ساخته شد. بدون شک، آهنگ ساز به شدت تحت تأثیر و شیفته این کاخ قدیمی و افسون های زیاد آن قرار گرفته است، جایی که در آن آثارهای موریش هنوز جریان دارند و زیبایی معماری آن یکی از بهترین اعجازهای بشر به شمار می روند.

یادداشت ناشر

ما افتخار می کنیم که "شاهکارهای نسخه های گیتار کلاسیک آلفرد" را ارائه داده ایم. هدف ما ارائه بهترین نسخه ها از رپرتوارهای مهم با ویژگی های ویراستاری از هنرمندان و استادان بزرگ به دانشجویان و نوازندگان گیتار کلاسیک می باشد. انگشت گذاری ها و سایر راهنمایی های فنی در این منابع نه تنها پنجره های جدیدی را برای نگاه به این قطعه ها باز می کنند، بلکه همچنین دیدگاههای جدیدی را به تفکر درباره این گیتاریست های مجبوب کلاسیک به وجود می آورند.

این قطعات مسلمان ترین این صفحات زندگی نمی کنند. این شما هستید که به آنها زندگی و معنی می بخشید. بنابراین اهمیت دارد که شما هرچه می توانید درباره آهنگ سازان و قصد و نیت شان، استیل و قراردادهایشان در دوره و محلی که آن قطعات را ساخته اند و نیز تمامی جنبه های رسمی ساختارهایشان اطلاعات کسب کنید. نوازندهای عالی نیز به دانش درباره این موارد بستگی دارد.

در پایان، شما باید خودتان انگشت گذاری ها، اجرا ها، دینامیک، تعابیر و عبارتها را که بصورت یکپارچه و به یکدیگر پیوسته هستند، انتخاب نمایید. همه مواردی که در این جلد می بینید، دیدگاه گیتاریست های کلاسیک معروف از موسیقی می باشد اما من شما را تشویق می کنم که بیشتر به جلو بروید - تحقیق، تجربه، بحث و ایجاد علاقه درباره هر قطعه ای را که می خواهید بنوازید را فراموش نکنید. این یکی از بزرگ ترین لذت های یک نوازنده است:

"موسیقی ایستا و راکد نیست، بلکه زنده است و با کاری که شما انجام می دهید نفس می کشد".

ممnon هستیم که از کتاب های ما در مطالعه و آموزش خود در زمینه موسیقی استفاده می نمایید.

ناتانیل گناد، آفرد موزیک

ترمولو

ترمولو را یک آرپز p-a-m-i بدانید که در آن سه انگشت a-m-i بروی یک سیم می نوازنند. برای من سالها طول کشید تا حقیقت درباره این موضوع را در نوازنده ام دریابم. به عنوان یک استاد، من الگویی را در دانشجویان از هر سطحی که در نواختن آرپز p-a-m-i مشکل داشتند مشاهده نمودم. بنابراین قبل از شیرجه با سر به داخل یک قطعه ترمولو مثل "Recuerdos de la Albambra" از شما می خواهم که ابتدا بر روی آرپزهای دست راست خود مسلط شوید.

بعد از انجام مجموعه ای از تمرین های پیشرونده که به منظور آشنایی و تسلط بیشتر بر الگوهای دست راست طراحی شده اند، شما باید بتوانید ترمولو را به نرمی انجام دهید.

توجه: نیازی نیست ترمولو برای ایجاد صدای عالی و مطلوب، سریع نواخته شود. یکی از بهترین ترمولوها آنهاست که به آرامی و بطور یکنواخت زده می شوند و رنگ دینامیک وسیعی دارند و نیز تن، اجرا و بیان زیبایی را ایجاد می کنند. اینها مواردی هستند که شما باید به آنها توجه نمایید.

ممکن است شما انجام تمامی این تمرین ها را غیرضروری بدانید. اگر به نظرتان برخی از این تمرین ها خیلی ابتدایی هستند، آنهاست را انجام دهید که چالش برانگیز هستند. اگر در ترمولو تازه کار هستید، توصیه می کنم که از بالا شروع کنید و در هر بار یک یا دو تا از این تمرین ها را انجام دهید تا اطمینان حاصل کنید که تسلط و راحتی کافی را در انجام آنها بدست آورده اید، سپس به تمرین های بعدی بروید.

دقت در انگشت گذاری ها خصوصاً انگشت شست، در هر یک از این تمرین ها توصیه می گردد. (برای درس های مربوط به انگشت گذاری، به کتاب Pumping Nylon نوشته اسکات تنانت، مراجعه نمایید). زمانی که به تمرین های اصلی ترمولو با a-m-i روی یک سیم دست رسیدید، انگشت گذاری صحیح نه تنها در ترمولو اطمینان و سرعت را به همراه خواهد داشت، بلکه مهمتر از آن، تسلط بر روی اجرا و دینامیک را به ارمنان خواهد آورد. با سرعت یافتن دستهایتان، صدای تن کوتاه انگشت گذاری ها باعث سریعتر شدن، نرمی و نیز اجرای عالی ترمولو خواهد شد.



آرپژهای ترمولو: همینجاست!

ابتدا با این تمرین های آرپژ کار را آغاز کنید. هر انگشت را به تنها یی انگشت گذاری کنید (انگشت گذاری ترتیبی) و هدف تان ایجاد صدای یکنواخت نت از نظر حجم و تن باشد. بله، این کار شامل انگشت شست شما نیز می شود! بعداً درخواهید یافت که انگشت شست "پیشرو" بوده و سایر انگشت ها به دنبال آن می آیند.

پیشنهاد می کنم که تمرین زیر را چندین بار تکرار نمایید تا کاملاً جا بیافتد. این مجموعه تمرین را چندین بار تکرار نمایید و سپس به گروه بعدی از تمرین ها بروید. در حین انجام این تمرین ها و تمرین ۴، تشابه میان آرپژ و ترمولو را احساس نمایید.

توجه ویژه ای را بر دقیق بودن داشته باشید و هدف شما باید نواختن با یک قسمت خاص از نوک انگشتان تان در هر ضربه باشد. از طریق حس و احساسات است که ما اطلاعات را به داخل **هارد دیسک های مغزمان** منتقل می کنیم نه از طریق تحلیل و آنالیز.

Exercise 1



Exercise 2



Exercise 3



Exercise 4



حال باید با انجام تمرین های زیر به آرپیژهایمان شکل و شمایلی بدھیم. انگشت گذاری ها را دقیق تر انجام دهید و همواره برروی احساسات و تشابه میان آرپیژهای چندسیمه و ترمولو تمرکز کنید.

Exercise 5

p a m i p a m i

Exercise 6

p a m i p a m i

Exercise 7

p a m i p a m i

Exercise 8

p a m i p a m i

Exercise 9

p a m i p a m i

Exercise 10

p a m i p a m i

Exercise 11

p a m i p a m i

بستن و جمع بندی

همواره من به ارزش فوق العاده تمرین ترمولو با تمامی انگشتان و انگشت شست روی یک سیم اعتقاد داشته ام. این کار به شما امکان می دهد تا صدای انگشت شست همانند سایر انگشت ها شنیده شود. انگشت شست معمولاً نت ها را با صدای قوی تری می نوازد و ما می خواهیم اطمینان یابیم که می توانیم آن را کنترل کنیم.

این تمرین ها را با یک مقدار کافی استکاتو اجرا نمایید. بعدها وقتی ترمولو را با تمپوی بالا می زنید، درخواهید یافت که قادر هستید یک ترمولوی نرم و صحیح را بدون حرکت اضافه و بی مورد انگشتان اجرا نمایید، موردی که برای کنترل اجرا، کنترل طول نت، تمپو و سرعت و دینامیک ضروری است. شما انگشتان تان را آموزش می دهید که روی سیم بنوازنده روی هوا.

توجه: هدف از سرعت های انفجاری (نت های دولاچنگ) ایجاد صدای یکنواخت از نت های سریع، همانند نت های آهسته است. هر تمرین را آنقدر اجرا کنید تا به راحتی قابل نواختن باشد، سپس به تمرین بعدی بروید.

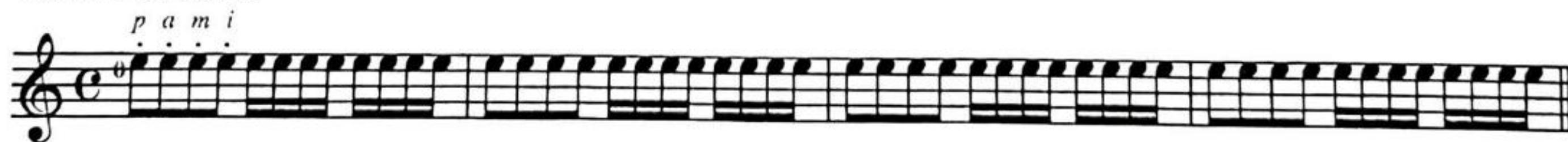
Tremolo Exercise 1



Tremolo Exercise 2



Tremolo Exercise 3



Tremolo Exercise 4



انگشت شست

همانطور که قبلاً اشاره کردم، شست در واقع پیشرو و رهبر است و بقیه انگشتان پیرو کاری هستند که شست انجام می‌دهد. شست تempo را دیکته می‌کند: اگر سرعت شست زیاد شود، سایر انگشتان نیز باید سرعت یابند. اگر سرعت آن کند شود، انگشتان دیگر نیز باید کندتر بنازنند. ما خیلی تمرین می‌کنیم تا صدای تمامی انگشتان یکسان به گوش برسد و دیگر به آنها فکر نکنیم و بگذاریم موسیقی ایجاد شود. هنگام نواختن ترمولو در tempo اجرا، نت‌ها خیلی سریع رد می‌شوند و نمی‌توان به تک تک آنها فکر کرد. بهترین راه برای یکنواخت کردن آنها، کنترل tempo با انگشت شست است و بقیه انگشتان باید جای خالی را پر کنند، گوش شما باید بتواند تشخیص دهد که آنها یکنواخت هستند یا خیر. اگر انگشتان شما دقیق و کارآزموده باشند، بصورت اتوماتیک تنظیم می‌شوند و کاری را که باید انجام دهند مطابق با راهنمایی گوش‌ها انجام می‌دهند.

بنابراین بطور خلاصه، انگشت شست اهمیت دارد!

در این مجموعه تمرین‌ها، ما بر روی تمرین‌های تک سیمی مرکز می‌کنیم و بعد بطور اتوماتیک انگشت شست به سیم‌های مختلف می‌رود، بنابراین شست عادت می‌کند که به ترتیب روی سیم‌ها عمل کند. ما همواره در نهایت به نقطه مرجع خود یعنی به تک سیم بر می‌گردیم.

این آماده سازی و انگشت گذاری شست را تمرین کنید: به محض اینکه انگشت A می‌نوازد، انگشت شست را فوراً به سیم بعدی ببرید. اگر این کار برای شما چالش آور است، می‌توانید کار انگشت شست را از سایر انگشتان جدا کنید.

Moveable Thumb Exercise 1

The musical notation consists of three staves of sixteenth-note patterns for the left hand. The first staff starts with 'p a m i' and includes the instruction 'all open strings...'. The second staff continues the pattern with fingers 1, 2, 3, 4, 5, 6. The third staff continues with fingers 3, 2. Fingerings are indicated by circled numbers above the notes.

Moveable Thumb Exercise 2

p a m i
① ① ① ① ① ①
① ② ③ ① ② ③
④ ⑤ ③ ④ ⑤ ⑥
④ ④ ④ ④ ④ ④

Moveable Thumb Exercise 3

p a m i
① ① ① ① ① ①
① ② ③ ① ② ③
④ ⑤ ③ ④ ⑤ ⑥
④ ④ ④ ④ ④ ④



شست + انگشتان = یک ارکستر!

همه این تمرین‌ها باید تکرار شوند و هرگز نباید بعد از اینکه آنها را تمام کردید برای شما بی اهمیت بشوند. من همواره این‌ها را تمرین می‌کنم، خصوصاً وقتی که یک قطعه ترمولو را برای مدتی انجام نداده‌ام و نیاز به گرم کردن دارم. بنابراین حتی بعد از اینکه شما قطعه "Recuerdos de la Albambra" را نواختید، برخی از این تمرین‌ها را در کارهای منظم خود قرار دهید.

حال اطمینان حاصل نماییم که می‌توانیم کار سخت خود را به سرانجام برسانیم و در عمل بر روی یک مدل قطعه سیم آزاد انجام دهیم (صفحات ۱۴ الی ۱۷). این مورد را همانند تمرین‌ها با آمادگی کامل انگشتان و شست انجام دهید.

روی سیم بنوازید، نه روی هوا، و به آهستگی آغاز کنید! سرعت اهمیت ندارد. یکنواخت بودن، حس موسیقیایی و زیبایی مهم است.

همانطور که پیشرفت می‌کنید، در نظر داشته باشید که انگشت شست همه چیز را کنترل می‌کند. وقتی که قطعه به تمپوی اجرای واقعی رسید، انگشت شست سرعت را کنترل می‌کند و انگشتان فقط فواصل و جاهای خالی را پر می‌کنند. کلمات پرینت شده و بیان شده در اینجا وزن زیادی ندارند بلکه در عمل نمود پیدا می‌کنند. همانطور که شما به جزئیات آماده سازی و انگشت گذاری مسلط می‌شوید، این موضوع برای شما مفهوم پیدا می‌کند.

به یاد داشته باشید که همواره در کار خود دقیق داشته باشید.

Recuerdos de la Alhambra (نسخه سیم آزاد)

Open-String Version

Andante ($\text{♩}=76-80$) *

The sheet music consists of eight staves of musical notation for an open-string instrument. The music is in 3/4 time, treble clef, and consists of eighth-note patterns. Measure numbers 1 through 13 are indicated above each staff. The notation uses vertical stems for notes and horizontal strokes for slurs. A dynamic marking "p a m" is placed above the 11th measure.

* This metronome marking represents an ideal performance tempo to aspire towards. However, while practicing, aim for $\text{♩}=50-60$.

15 *p a m*

17

19 *p a m*

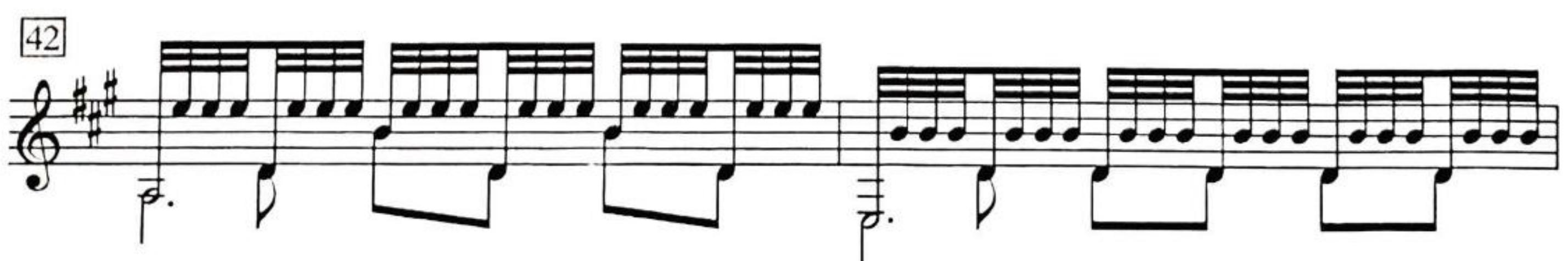
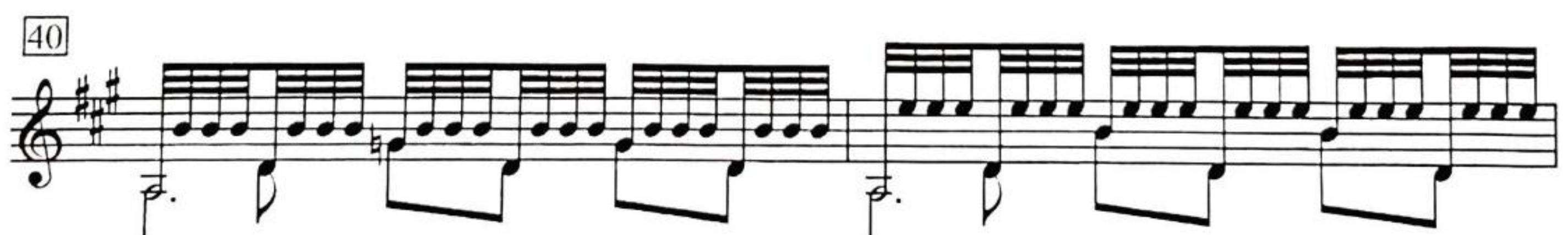
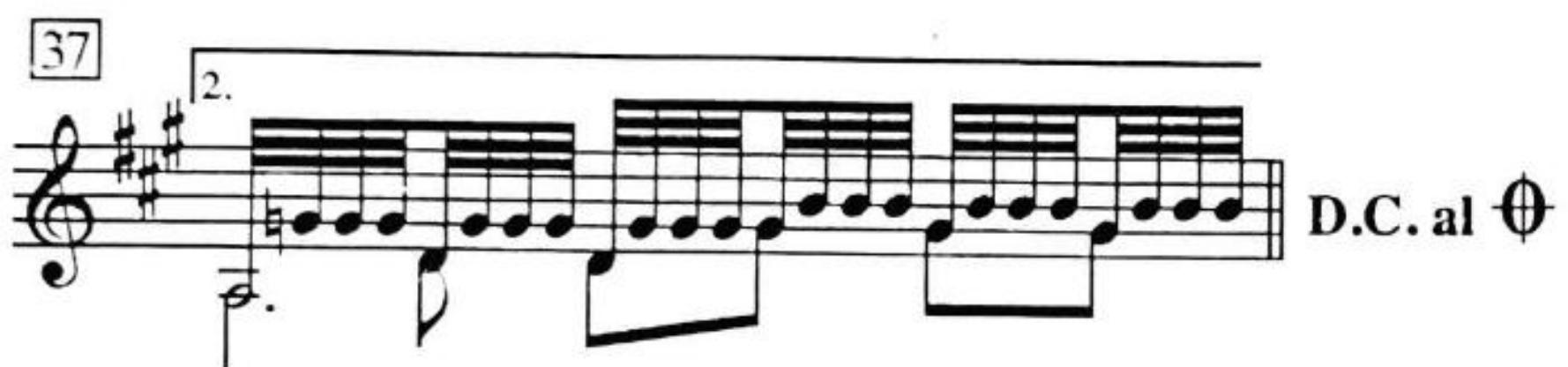
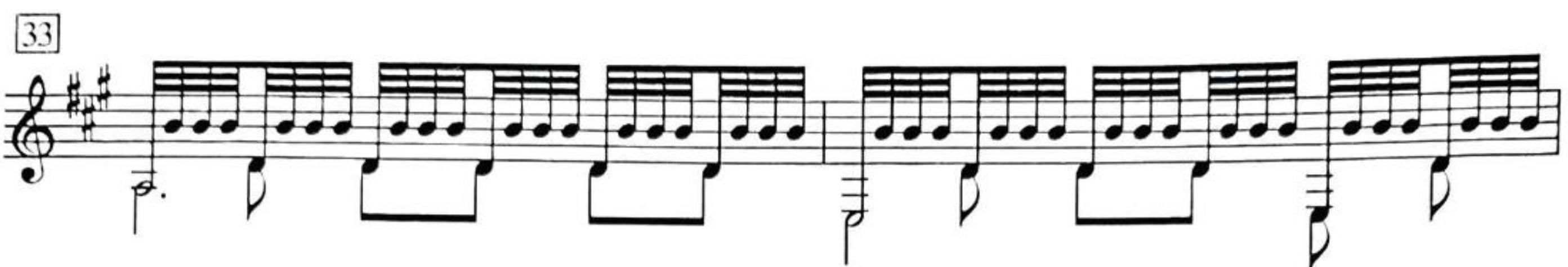
21

23

25

27 *p a m*

29



44

46

48

50

52

54

ritard.

56

rit.

p
ppp

یک پیشنهاد قوی

همانطور که هم اکنون می دانید، این قطعه در ابتدای کار نیاز به اجرای ترمولو روی سیم دوم دارد. این موضوع دو نکته به همراه خواهد داشت:

۱. اجرای دقیق ترمولو روی یک سیم داخلی یک کار پرچالش است.
۲. اگر زمان کافی برای گرم کردن صرف نشود، شروع ترمولو روی یک سیم داخلی کاری دشوار خواهد بود.

با در نظر گرفتن نکات فوق، شما باید تمرین های قبلی روی سیم اول را بتوانید روی سیم دوم نیز اجرا نمایید. بنابراین، بعد از آشنایی با مدل سیم آزاد قطعه در صفحات ۱۴-۱۷ این جلد، ابتدای قطعه را با آماده کردن انگشتان خود روی سیم دوم اجرا نمایید (انگشت ۵ را بعد از ضربه شست روی سیم قرار دهید و در عین حال انگشتان m و آرا بالای سیم قرار داده تا در زمان خودشان، بتوانند به سیم ضربه بزنند).

اجرای ترمولو روی یک سیم داخلی (در میزان ابتدایی) به خودی خود دشوار نیست. تفکر اینکه این کار مشکل است، جلوی کار ما را می گیرد. تمرین کردن چند میزان ابتدایی و بدست آوردن اعتماد به نفس به شما کمک می کند قطعه را آغاز کنید در حالیکه دست راست شما در حالت آرامش قرار دارد. در اغلب اوقات، افراد آماده بودن را به جای دقت اشتباه می گیرند، که بدن ما نیز آن را به تنش تبدیل می کند. هرچه اعتماد شما بیشتر شود، بهتر خواهد بود.

آنچه را که اعتقاد دارید می توانید بدست آورید.

آنچه را که احساس می کنید، واقعیت دارد.

احساس کنید.

اعتقاد داشته باشید.

انجام دهید.

دست چپ: شیفت کردن

جالب است که یک قطعه متمرکز بر روی دست راست بیشتر به خاطر دشواری کاری که باید دست چپ انجام دهد، مشکل است. هر قدر نت ها سریع تر رد شوند، همان قدر نیز باید دست چپ دقیق تر و سریع تر عمل کند.

ترمولو نت های سریعی را در خود دارد — نت های زیادی از سه لاقنگ ها! برای یک اجرای موسیقیایی ضروری است که دست چپ حرکت نکند تا آنکه آخرین نت ترمولو زده شود. اگر دست چپ خیلی زود حرکت کند، نت سه لاقنگ به نظر صدای خفه و ارزش آن از بین می رود. بسیاری از این رخدادها منجر به قطعه ای می شوند که صدای آن قطعه قطعه و غیریکنواخت خواهد بود. بنابراین، باید دست چپ را خوب تمرین دهیم تا به سرعت و به دقت در هر تغییر آکورد، حرکت کرده و شیفت کند. به منظور بدست آوردن این هدف، من همواره کل قطعه بدون ترمولو اجرا کرده ام و سپس تغییرات آکورد و اینکه شیفت های من روان و سریع باشند را تمرین نموده ام. نسخه آکوردی قطعه "Recuerdos de la Alhambra" را در صفحات ۲۰ و ۲۱ تمرین کرده و مسلط شوید.

در ابتدا به عنوان پسری که این قطعه را یاد می گرفتم، همواره هر قطعه ترمولو را با پیدا کردن حرکات دست چپ تمرین می کردم. من دریافته ام که بسیاری از گیtarیست ها در واقع ترمولوی خوبی دارند، اما دست چپ غیرهمانگ، تنش زا و شلخته ای دارند که به نظر می آید دست راست نیز تعطیل است. وقتی که به عقب برمی گردند و به حرکات دست چپ خود دقت می کنند، قطعه را درست اجرا می کنند.

باز تأکید می کنم که به آرامی تمرین کنید. ارزش آن را دارد که زمان کافی برای اینکه بینید کجا می روید صرف نمایید. شیفت هایی را که برای شما چالش آمیز است مشخص نموده و بیشتر روی آنها تمرین کنید. دقت خود را بالا ببرید.

توجه: از این فرصت استفاده نموده و حرکات شست را نیز مدنظر قرار دهید.

Recuerdos de la Alhambra (نسخه آکوردی)

Chord Version

Andante ($\text{♩} = 76\text{--}80$)

R II. sim.

VIII VII IX

I II X pos. II pos. III

29 II

IV

1. φ II

2.

D.C. al φ

38 46II

42 46II

46 (46II)

50 46II 46II

ritard.

54 (46II)

pp ppp

Recuerdos de la Alhambra

Andante ($\dot{=}$ 76-80)
p a m i

The sheet music consists of six staves of musical notation for a guitar-like instrument. Each staff begins with a treble clef and a common time signature. Fingerings are indicated above the notes, primarily using numbers 0, 1, 2, 3, 4, and 5. The first staff includes a dynamic instruction 'p a m i' and a tempo marking of 76-80. The second staff is labeled 'Ostia'. The third staff starts with a bracketed '3'. The fourth staff starts with a bracketed '5'. The fifth staff starts with a bracketed '7'. The sixth staff starts with a bracketed '9' and includes a dynamic instruction '(p i m) p a m i'. Measure numbers 4, 6, 8, and 11 are also present.

13 (2)

 15 (2) *p a m 3* *p a m i*

 17 (1)

 19 1/2 *p a m 3* *p a m i*

 21 %II

 23

 25 II pos.

 27 *p a m 3* *p a m i*

29 II

31 (IV) (2)

32 Ossia:

33

34 Otsia:

35 1.

36 II

37 2.

D.C. al \emptyset

38 (5/8 II)

39

40

42

 44

 46 (4II)

 48

 50

 52

 54 ritard.

 56 rit.

راه چاره

"دقت کردن" در واقع به چه معناست؟ برای من به معنای تفکر درباره چیزی است که انجام می‌دهم، و این کار الزاماً تحلیل کردن و آنالیز نیست. این به معنای تمرکز کامل بر روی یک جنبه از یک چیز در زمان مشخص است. در نواختن گیtar، این کار به معنای جذب شدن و بطور ایده آل با احساس ترکیبی خودتان، توجه بر روی احساس اشیاء در بدن شما و نیز تفکر به موارد بعدی در موسیقی است و اینکه تصور کنید دقیقاً از یک قطعه چه چیزی می‌خواهید. می‌خواهید که در جهان "تک" باشید؟ شاید بله، اگر ما جهان خودمان را بتوانیم هشیار بودن در یک لحظه خاص تعریف کنیم.

استاد هاتا یوگا به نام B.K.S. اینگار، یک زمان خرد و دانش کسب کنترل فیزیکی نهایی خود را در حرکات پیچشی asanas فاش نمود. او درباره چگونگی بدست آوردن تعالی و تکامل اینطور نوشت که این عمل هنگامی بدست می‌آید که تلاش متوقف می‌شود. برای ما، این به معنای این است که هنگامی با تلاش و دقت زیاد که به چیزی نزدیک می‌شویم، دیگر بخش فیزیکی آن را فراموش می‌کنیم و به موسیقی اجازه می‌دهیم که بصورت یک تجلی خالص ایجاد شود. حدس می‌زنم که شما این کتاب را برای این انتخاب کرده‌اید که به قطعه خاصی علاقه دارید و می‌خواهید آن را بنوازید. پس از شما می‌خواهم که ایجاد موسیقی را هدف خود قرار دهید نه مکانیک آن را.

با دقت کار کنید و با الهام و انگیزه بنوازید.

در پایان، اینگار بعد فیزیکی را با بعد غیرفیزیکی ترکیب می‌کند. او با استعاره می‌گوید که:

هنگامی که شما نفس را به درون سینه می‌برید، در واقع جذب انرژی و قدرت از جهان هستی است و هنگام خارج کردن نفس، برگردان آن انرژی به جهان است. پس به داخل کشیدن نفس خود اهمیت دهید و احساس نمایید که قدرت و راحتی را در خود جمع می‌کنید. هنگام خروج هوا از سینه، موسیقی را به آنها می‌دارند می‌شنوند هدیه دهید. اولین و بهترین عضو از حضار و شنوندگان، همواره خودتان هستید.

لذت ببرید.

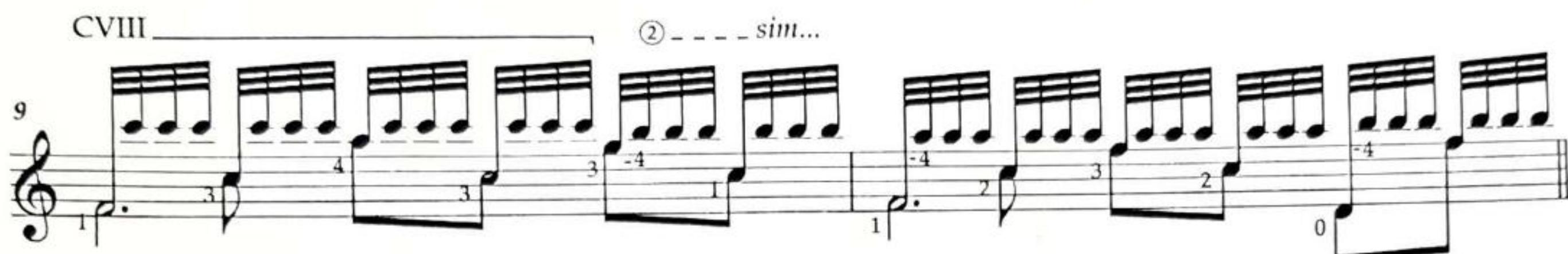
-اسکات تناست



The Suzuki Method
GUITAR SCHOOL

تمرین های آماده سازی

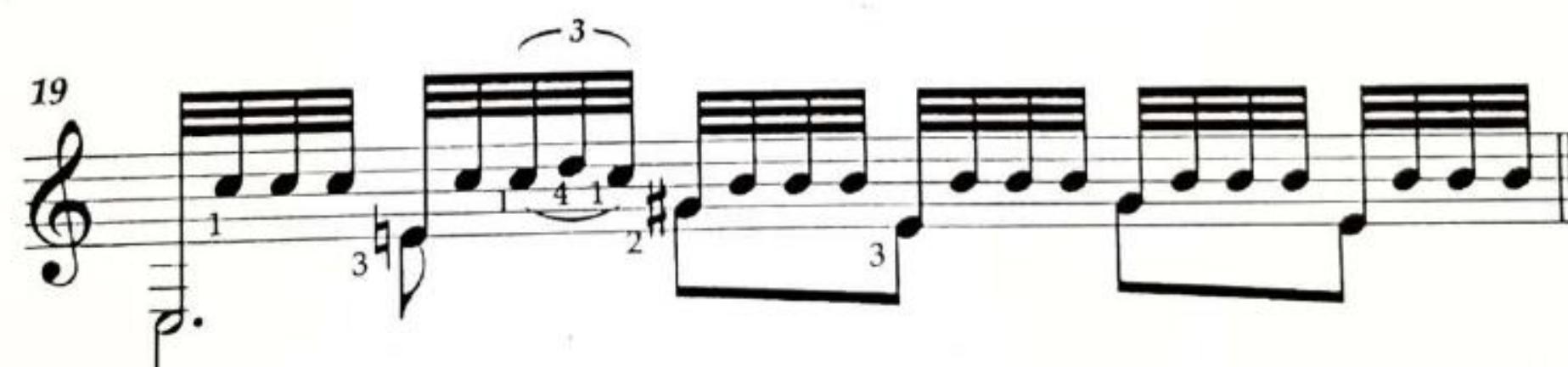
1. Measures 9–10



2. Measures 11–12



3. Measure 19



4. Measure 31

